

بسم الله الرحمن الرحيم

در بحث گذشته گفتیم که بحث از کلیات علم رجال دو فصل دارد: فصل اول آن توثیقات عامه بود که در این فصل قبل از ورود به اصل بحث از تک تک آنچه که به عنوان توثیقات عامه مطرح شده است نیاز بود که سه مطلب مقدماتی طرح شود:

مطلب اول: بررسی معنی و مفهوم توثیق: که نتیجه شد توثیق در مقابل تضعیف؛ یعنی ثابت شود یک راوی دروغ نمیگوید و در ضبط حدیث غالباً مصون از اشتباه و سهو است طوری که ضبط او بیشتر از سهو است.

مطلب دوم: توثیق دو قسم است:

۱- **توثیق خاص:** عبارت است از اینکه شخص واحد یا چند شخص، یکی از روات یا گروهی از روات را به شخصه توثیق کنند و ایشان را اجتناب کننده از کذب و ضابط در نقل معرفی کنند نه این که چون این شخص یا اشخاصی از روات برخوردار از فلان ملاک کلی هستند که هر کسی برخوردار از آن ملاک باشد توثیق دارد، لذا این راوی هم به همان اعتبار توثیق دارد، بلکه باید شخص راوی به طریقی توثیق شود.

مثلاً مرحوم نجاشی درباره ابراهیم بن ابی حفص می گوید: «شیخ من أصحاب ابی محمد علیه السلام، ثقة». ^۱

و یا درباره ابراهیم بن محمد بن معروف می گوید: «شیخ من أصحابنا». ^۲

و یا درباره بسطام بن سابور زیارات و برادران او میگوید: «ثقة، و إخوته ذكريات و زياد و حفص ثقات، كلهم رروا عن أبي عبد الله وأبي الحسن عليهما السلام». ^۳

۲- **توثیق عام:** عبارت است از اینکه یک شخص یا اشخاصی یکی از روات و یا چند راوی را بشخصه توثیق نکرده باشد بلکه بلحاظ اینکه برخوردار از یکی از ملاکات کلی توثیق یعنی توثیقات عامه است، او را توثیق می کنند. مثلاً می گوید: این راوی ثقة است چون در استناد کامل الریارات یا تفسیر علی بن ابراهیم موجود است. یا چون از اصحاب اجماع یا مشایخ اجازه است و....

مطلب سوم: اگرچه ما در صدر بحث و بررسی توثیقات عامه هستیم لکن گذر از توثیقات خاصه به صورت کلی، شایسته بحث نیست؛ لذا باید بحث و بررسی شود که طرق و راه های رسیدن به توثیق خاص یک راوی چگونه است؟ برای رسیدن به توثیقات خاصه روات، چند طریق ذکر شده است که به قدر فایده مطرح می کنیم:

طریق اول: تصریح یکی از معصومین علیهم السلام به توثیق فرد یا اشخاصی به صورت خاص؛ و شاید بتوان گفت بهترین طریق در رسیدن به توثیق خاص یک راوی آنست که امام معصوم علیه السلام یا پیامبر صلی الله علیه وآلہ، آن شخص را توثیق کرده و مأمون از کذب و خطای معرفی کنند و اعتماد به آن را مطرح نمایند. ولی رسیدن به این طریق دو شیوه دارد:

^۱ - رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشیعه؛ ص: ۱۹

^۲ - همان

^۳ - رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشیعه؛ ص: ۱۱۰

۱. ما به علم و جدایی دریاییم که امام علیه السلام فلان شخص را توثیق کرده است (که در حال حاضر این شیوه عادتاً قابل تحقق نیست).

۲. ما در بین روایات موجود، روایت معتبری را پیدا کنیم که دلالت دارد بر اینکه فلان شخص توسط امام علیه السلام توثیق شده است. که این شیوه قابل دسترسی است.

ولی به شرطی اثبات توثیق خاص می کنند که در سندر آن روایت معتبر، خود این راوی مذکور، موجود نباشد؛ که اگر باشد، دور لازم می آید.

از مصادیق توثیق خاص به شیوه‌ی اول چند مورد ذکر می کنیم:

۱- عن علی بن المسبیب، قال: قلت للرضا علیه السلام شققی بعيدة و لست أصل إليك في كل وقت، فممن آخذ معاالم دینی؟ فقال: من زکریا بن آدم القمي المأمون علی الدين و الدنيا، قال علی بن المسبیب: فلما انصرفت قدمت علی زکریا بن آدم فسألته عما احتجت اليه.^۴

۲- حمدویه و ابراهیم، قالا: حدثنا محمد بن عیسی، عن علی بن الحكم عن زیاد بن أبي الحلال، قال: اختلف أصحابنا في أحادیث جابر الجعفی، فقلت لهم: أسأل أبا عبد الله علیه السلام، فلما دخلت ابتدأني، فقال: رحم الله جابر الجعفی كان يصدق علينا، لعن الله المغيرة بن سعید كان يکذب علينا.^۵

۳- حَدَّثَنِي حَمْدُوَيْهُ بْنُ نَصِيرٍ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ عَرْوَةَ، عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ، قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ (ع) يَقُولُ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى أَحَيَاءٍ وَأَمْوَاتٍ أَرْبَعَةٌ: بَرِيدٌ بْنُ مُعَاوِيَةَ الْعَجْلَى، وَزَرَارَةُ، وَمُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ، وَالْأَحْوَلُ، وَهُمْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى أَحَيَاءٍ وَأَمْوَاتٍ.^۶

البته برخی از اسناد و روایات مثل مورد اول و دوم دلالتشان بالمطابقة است و برخی مثل روایتسوم بالالتزام است به این معنا که وقتی امام می فرماید اینها احباب مردم به نزد من هستند به دلالت التزامی دلالت بر اعتماد امام به این اشخاص در بین مردم دارد.

بعضی‌ها در این خصوص فرموده‌اند: در اثبات وثاقت راوی به نقل معصوم لازم نیست روایت معتبره باشد همانطور که لازم نیست سند آن برخوردار از خود راوی نباشد چون باب علم در علم رجال مسدود است لا محاله امر منجر به عمل به ظن می شود و ظن به وثاقت راوی هر چند به روایت غیر معتبره یا روایتی که خود راوی در سند آن باشد حاصل می شود.

لکن این فرمایش قبول نیست: چون اصل، حصول ظن به وثاقت راوی از هر روایت ضعیفه یا روایتی که متنضم راوی است قبل انکار می باشد. و بر فرض حصول ظن به وثاقت، دلیلی بر حجیت ظن نداریم؛ بلکه اصل، عدم حجیت این ظن است و مضافاً اینکه چه کسی گفته باب علم یا علمی در باب رجال مسدود است. این سخن مقبول نیست چون می شود با مراجعت به توثیقات متقدمین و متأخرین، اطمینان عرفی به وثاقت راوی پیدا کنیم و این اطمینان عرفی همان علم عندالعرف است و لذا ادعای انسداد باب علم را قبول نمی کنیم.

والله المستعان

۴- رجال الكشی - اختیار معرفة الرجال ج ۲ ص ۸۵۷

۵- رجال الكشی - اختیار معرفة الرجال ج ۲ ص ۴۳۶

۶- رجال الكشی - إختیار معرفة الرجال / النص / ۱۳۵ / زرارة بن أعين ص : ۱۳۳

التحقیقات العامة و الأصول الرجالية